

رضا فیاضی، بازیگر و کارگردان محبوب نوجوانان دهه ۷۰ این روزها در جزیره کیش کتابفروشی می‌کند

از «زی زی گولو» تا «جزیره کتاب»



۱۲

ورزش

فرمان تعویض از اصفهان صادر شد

حمله بمب افکن‌های هواداری استقلال به نورافکن

گزارش FIVB از پدیده تیم ملی والیبالی ایران

مجرد: راهنمایم «معروف» بود



همزمان با راهیابی به لیگ اروپا رخ داد

هت‌تریک «بیرو» در نامزدی توپ طلا

مجاز آباد

حالا نوبت کیه؟

دستگیری «جمشید شارمهد» سرکرده تروریست‌های انجمن پادشاهی، در توپیر بازتاب وسیعی داشت و کاربران در سریع‌ترین زمان ممکن به این خبر واکنش‌های جالبی نشان دادند. «دیگه شبها راحت نمی‌خوابند آنان که بر سر، خوش خیال بودند، دیگه آمریکا هم برایشون امن نیست... پس از دستگیری زم و جمشید شارمهد، حالا توپیرهای مسیح علی نژاد معلومه که حسابی ترسیدند بعید به نظر می‌رسد نیروهای اطلاعاتی، وقتشان را صرف این عجزه کنند. اندک اندک جمع مستان می‌رسند، مسیح علی‌نژاد چمدون‌ها رو ببندند. یکی از دلایل اهمیت دستگیری شارمهد این است که آمریکایی‌ها هنوز باورشون نشده و دستگیر شده...»

کارشناس لپ‌لپ!

به نظر شما، ایران اینترنشنال این کارشناسان را از کجا پیدا می‌کند؟ یعنی کسی را که ابتدایی‌ترین اصول رشته طبق اطلاعاتی که روس‌ها منتشر کرده‌اند، قرار است مرحله دوم آزمایش‌ها امروز به پایان برسد و سپس مرحله سوم آزمایش به موازات و اکسیناسیون کارمندان پزشکی انجام شود. با این حال مسئولان روسی می‌گویند مدیر پروژه و دانشمندان روسی این واکنس را به خودشان تزریق کرده و نتایج مثبتی گرفته‌اند. این مقام‌ها در انتقاد از عدم انتشار جزئیات ساخت واکنس توضیح داده‌اند اطلاعات در ماه اگوست در دسترس عموم قرار خواهد گرفت و دلیل طی شدن سریع روند ساخت آن هم این بوده که محققان واکنسنی که پیش از شیوع کرونا برای بیماری دیگری ساخته بودند را توسعه داده‌اند تا برای درمان کرونا قابل استفاده باشد.

از تلفن عمومی زنگ زدا

همه مدارک و مستندات ادعایی بی‌بی‌سی برای اینکه ثابت کند تعداد فوت‌شدگان کرونا در ایران بیش از ۴۱ هزار نفر است، یک تماس تلفنی از سوی کسی که درخواست نامش فاش شود، بود. عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای در توپیر نوشت: «یک نفر از تلفن عمومی زنگ زده شبکه ملکه و گفته فوتی‌های کرونا در ایران ۴۱ هزار نفرند. از کجا می‌گویی تلفن عمومی؟ خودشون در متن نوشتند: شخصی که حاضر نند خودش را معرفی کند، نخواست هویت سازمانی احتمالی را معرفی کند و گفت اسمی و کد ملی فوت‌شدگان را هم نداد!»

کرم سر قلاب

محمد ایمانی، فعال رسانه‌ای در کانال خود مطلبی طولانی در نقد بگرام نوشته که در ادامه بخش کوتاهی از آن را می‌خوانید: «کرم سر قلاب، واقعی است؛ اما نه برای اینکه به ماهی غذا بدهند، هرگز از دهان ماهی نمی‌گذرد. وقتی گفته شد بگرام تله‌گذاری دشمن برای زدن ضربات و خسارت‌های بزرگ است، خیلی‌ها تعجب و انکار کردند. وعده‌های غرب در مذاکرات، فریبنده بود و از آن‌ها مؤثرتر، وعده‌هایی بود که متولیان مذاکره در داخل می‌دادند. برداشتن تحریم‌های مالی و بانکی و نفتی... امضای قرارداد با توتال و پز و رنو و پوینتنگ!»

از تناقضی در آمار کرونا تا عرضه اولین واکنس این بیماری تا پایان ماه

دانشمندان روسی دنیا را شگفت زده می‌کنند؟

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۹
۱۲۱ تا ۱۳۰ شماره ۱۴۴
۲۰۲۰ شماره ۱۰۰
سال سوم و سوم شماره ۱۰۰
ZARDI@QUDSONLINE.IR



روایت اول

در تهران چه خبر است؟

محمد تربت‌زاده هرچند رئیس جمهور اعلام کرده در حال عبور از یک کرونا هستیم و آمار کشته‌ها و مبتلایان هم کمی تا قسمتی نسبت به روزهای گذشته کاهش داشته، اما از روز گذشته حواشی جدیدی در زمینه آمار مربوط به تلفات کرونا در کشورمان، در فضای مجازی بالا گرفته و شایعه‌های عجیب و غریبی هم در این باره راه افتاده است.

براساس آمار رسمی، در روز گذشته ۲۰۸ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۷ هزار و ۱۹۰ نفر رسیده است. اما در این میان ناهید خداکرمی، رئیس کمیته سلامت شورای شهر تهران اعلام کرده تا کنون فقط در شهر تهران ۸ هزار و ۶۰۰ نفر جان خود را به دلیل ابتلا به کرونا از دست داده‌اند. این یعنی ۵۱ درصد کل فوت‌شدگان تهرانی بوده‌اند. ماجرا زمانی عجیب‌تر می‌شود که می‌فهمیم تهران فقط ۱۱ درصد از جمعیت کشور را در خودش جتاند و اگر قرار باشد تعداد کشته‌های تهران را به کل کشور تعمیم دهیم، با یک آمار نجومی از مرگ و میرهای کرونایی روبه‌رو می‌شویم که چیزی در حد و اندازه‌های یک فاجعه خواهد بود!

روایت دوم

مثل ماهواره اسپوتنیک

درحالی که تمام جهان منتظر رونمایی از واکنس ضدکرونا دانشگاه آکسفورد انگلستان بودند، روس‌ها به طور غیرمنتظره‌ای اعلام کردند تا کمتر از ۱۰ روز دیگر دنیا را شگفت‌زده کرده و واکنس خود را به تمام جهان عرضه می‌کنند. بر اساس آنچه رسانه‌های روسی منتشر کرده‌اند، پژوهشگران انستیتو Gamaleya این واکنس را تولید کرده‌اند و برای آنکه خیال مردم دنیا را بابت این واکنس راحت کنند، آن را برای تست به خودشان هم تزریق کرده‌اند. با این حال بسیاری از محققان در سرتاسر دنیا، این واکنس را زیرسؤال برده‌اند چون محققان روسی هنوز جزئیاتی از ساخت آن را رسانه‌ای نکرده‌اند. حتی «مینو محرز» هم درباره این واکنس گفته است: «هنوز هیچ واکنسنی تأییدیه مراجع بین‌المللی را نگرفته است». با این حال روس‌ها اعلام کرده‌اند تا اواخر مرداد، از نخستین نسخه این واکنس رونمایی خواهند کرد و با وجود تمام اما و اگرهای پیرامون آن، تاکنون بیش از ۲۰ کشور و چند شرکت آمریکایی به واکنس روسی کرونا علاقه نشان داده‌اند. هندوستان، برزیل و عربستان سعودی از جمله ده‌ها کشوری هستند که به واکنس روسیه ابراز علاقه کرده‌اند. آمریکایی‌ها تا الان بیشتر از سایر کشورها، ساخت واکنس کرونا توسط رقیب سیاسی‌شان را زیرسؤال برده و آن را یک بازی تبلیغاتی دانسته‌اند. کرل دمیتریف، رئیس صندوق ثروت ملی روسیه که



یادداشت‌های چرخدار

annotation@qudsonline.ir

عباسعلی سپاهی یونسسی

چرا دوچرخه این همه عجیب است؟



چند روز پیش با دوستی در یکی از محلات حاشیه مشهد قرار داشتیم. صبح زنگ زد که اگر خانه است به دیدنش بروم. پس از اطمینان از این که هست، گفتم: «تا یک ساعت دیگر خودم را می‌رسانم» و خداحافظی کردم. خاتم گفتم: «مسیر دور است، چرا با ماشین نمی‌روی؟» و من مثل همیشه جوابم این بود: «این مسیر که دور نیست» و چند دقیقه بعد رکابزنان داشتیم به سمت محل قرار می‌رفتم. خاصیت صبح زود از خانه بیرون زدن برای دوچرخه‌سوار، خلوتی خیابان و لذت بردن از سایه‌هاست. یکی از دلخوشی‌های من برای زمانی که قرار است مسیری نو را طی کنیم، پیدا کردن سایه‌های آن مسیر است و نمی‌دانید این یافتن سایه‌ها چه لذتی دارد.

پس از حدود یک ساعت به خانه دوستم رسیدیم. دوست نو یافته من با دیدن دوچرخام با تعجب گفت: «با خودم فکر کردم که از کجا قرار است بیایی که یک ساعت طول کشید؟» به برنمه دوچرخه‌سواری که روی گوشه‌ام دارم، نگاه کردم و گفتم: «دقیقاً ۱۴ کیلومتر فاصله بود از خانه ما تا خانه شما و البته تا محل کارم ۱۴ یا ۱۵ کیلومتر دیگر باید رکاب بزنم».

بین حرف زدن با دوستم، چشمم به دوچرخه‌ای در گوشه حیاط افتاد. بی‌اختیار به سمت دوچرخه کشیده شدم و گفتم: «شما هم دوچرخه‌سواری؟» دوستم مکثی کرد و گفت: «روزگاری سوار می‌شدم؛ اما بعد افتاد کنار حیاط و حالا به تیوپ و لاستیک نیاز ناره». دوستم را تشویق کردم دستی به سر و روی دوچرخه بینوا بکشد و دوباره سوارش شود.

یک ساعت بعد، وقتی داشتیم مسیر خانه دوستم تا روزنامه را از رکاب می‌زدیم، به این فکر می‌کردم چرا این همه برای اکثریت مردم عجیب است که یک نفر در شهر به جای استفاده از ماشین، دوچرخه استفاده کند و مثلاً ۳۰ کیلومتر رکاب بزند؟ فکر کردم چه کارهایی باید انجام می‌دادیم که انجام ندادیم تا این حال و احوال شهرهای بزرگ نباشد که شهانند پارکینگ خودروها، با خودم فکر کردم گفته‌اند جلو ضرر را از هر جایی بگیریم منفعت است. چه باید کرد تا در ادامه نسلی تربیت کنیم که این همه جسیبه و وابسته به خودروهای شخصی خودشان نباشند؟ و دوباره به همان جواب همیشگی رسیدم: باید کودکان را با دوچرخه پیوند دهیم، باید با همه ابزارهای حاکمیتی و غیرحاکمیتی که داریم، دوچرخه‌سواری را تبلیغ کنیم. باید به کودکان لذت رکاب زدن را بیچشاییم و باید به آن‌ها عملاً بیاموزیم که شهرهای خوشبختی در دنیا وجود دارند که خوشبختی خود را مدیون حضور دوچرخه‌های بی‌شمار و رنگارنگ در خیابان‌هایشان هستند نه حضور هزاران خودرو.

روزمره نگاری

در معیت قاضی القضاة



رقیه توسلی: تصمیم نداشتن سبزی خوردن یخ‌م، خرم. نمی‌خواستم بی‌رهانم بیچیم توی فرعی نواندهم، می‌پیچم. هدفم سفارش دو قلم دمنوش است، می‌شود پنج مورد... نمی‌خواهم به آدم پشت تلفن بگویم «کله خنگ» اما می‌گویم. عهد می‌کنم با وجود ماسک و فحقی‌هایم منبسم باشم کل روز، نمی‌توانم. کم می‌آورم، درست‌ترش اینکه در حد یک ربع هم نمی‌توانم.

میرم. خانه بعد عملیات کرونایی‌ای که هر بار دارد بیشتر کش می‌آید، شیرجه می‌زنم پشت لپ‌تاپ. این وجه خودم را تا زگی‌ها کشف کرده‌ام. همین نشستن در معیت قاضی ترازو به پستی که چپ‌چپ نگاه می‌کند زنی که بغمی نفهمی شکل و شمایل خودم است با ربع بیشتر. همین حضری زدن در برابر قانون، در پیشگاه دادگاه، راستی قاضی من، بانوسم.

تایپ می‌کنم. می‌کنم. می‌کنم. می‌کنم. به گمانم این روزها که بیشتر با بلو قاضی معاشرت دارم فویبا گرفتم؛ از آن فویبای‌های نادر؛ از آن‌ها که انگار مغزم می‌گوید این جمله را باید درست بنویسم؛ آراسته‌تر باش؛ مزه‌تر به نظر برس.

آن قدر می‌نویسم و پاک می‌کنم که دیگر نای نوشتنم می‌رود. صفحه را خالی ول می‌کنم به آمان خدا و سرم را می‌اندازم پایین.

دقایقی بعد، سر از قفا که بیرون می‌کنم، او رفته است. قاضی نیست. من مانده‌ام و کله‌ای پر از حرف، پر از اعتراف و توجیه و برگه سفید و مدادی که مرس بس آمد و رفت. بس نوشت.

هنوز انگشتانم را تب می‌کنم و هی پاک می‌کنم که «سلامت خانوم» سُر می‌رسد. مثل همیشه شاک و ناخرسند. با یک زنبیل شماتت محترمانه، می‌گوید: غصه نخور. برای کی پیش نیامده؟ آدمیزاد است و چاه اشتباهاتش.

به جهنم که پشت فرمان، سه بار به تلفنت جواب دادی... به جهنم که یک بسته ماسک سه‌تایی را جا گذاشتی توی داروخانه... به جهنم که به همسایه بی‌مراعات، سر سوزن گوشزد نکردی... به جهنم که یاد ایلمی کردی و پای دو خریدت، اسکانس ریختی و کارت نکشیدی... به جهنم ۱۰۰ سال است سراغ شهر کتاب را نگرفته‌ای... به جهنم تلافی لاطالعات همکار صبح را کمابیش سر رقیف بعدازظهری در آوردی... به جهنم شش‌دانگ حواس پیش سارا نبود وقت انتخاب عینک طبی...

به جهنم که...
توبه‌نوشته: «سلامت‌هایتان» را دوست داشته باشید. آن‌ها بی‌برگردد یا از یا با درتان می‌آوردند یا رستگارتان می‌کنند!



جادوی کتاب و بی خبری متولیان فرهنگ

کتاب‌های خوب و ارزشمند، خاصه رمان‌های تأثیرگذاری که قادرند ساحت هستی را به نمایش بگذارند، دارای قدرت و توانمندی زیادی در اصلاح جامعه و فرهنگ هستند که متأسفانه در این راستا متولیان امور فرهنگی ایران در اوج بی خبری هستند.

باخبر شدیم زندانی در کشور برزیل وجود دارد که زندانیان با خواندن کتابی سودمند و نوشتن برداشت خود از آن کتاب می‌توانند چهار روز از مدت زمان حبس خود را کم کنند. نکته جالب در این خبر اشاره به مردی است که به جرم سرقت مسلحانه به زندان محکوم شده بود. وی با مطالعه حدود ۳۰۰ جلد کتاب، مدت حبس خود را از ۱۰ سال به کمتر از هفت سال کاهش داد. این مرد پس از آزادی از زندان به واسطه کتاب‌خوانی و دانش کسب شده در مدت حبس دچار تحول بنیادینی شده است. در واقع کتاب‌هایی که او مطالعه کرده دنیای جدیدی را پیش‌روی او باز کرده است!او بلافاصله در از مزمون ورودی معتبرترین دانشگاه این کشور پذیرفته شد و اکنون پس از گذشت ۱۰ سال از آزادی خود و اخذ مدرک دکترا، به عنوان استاد و مدرس

دانشگاه مشغول به کار است. وی همچنین در دوران حبس خود بر بسیاری از زندانیان تأثیر مثبت گذاشت و حتی فرزندان او نیز تحت‌تأثیر این اقدام پدر، تغییر مسیر داده و در دانشگاه‌های معتبر پذیرفته شدند. نمونه‌هایی از این دست بسیار زیاد است. اهمیت و نقش محوری کتاب و کتاب‌خوانی در غالب کشورهای جهان آشکار شده است. دولت‌ها همواره با صرف هزینه بسیار تلاش می‌کنند تا فرهنگ کتاب‌خوانی را به روش‌های مختلف نهادینه کنند، چرا که می‌دانند با افزایش میزان مطالعه مردم بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی حل و امنیت اجتماعی تقویت می‌شود. در این میان دولت‌ها به این مسئله دست یافته‌اند که رمان از میان سایر ژانرهای ادبی بیشترین تأثیر را در میان مردم می‌گذارد و به همین دلیل است که جدای نقش مثبتی که رمان در بستر جامعه کشورهای ایفا می‌کند، دستمایه خوبی برای استعمارگران است تا بتوانند با سلاح ادبیات استعماری به اهداف خود دست یابند. این در حالی است که متولیان امور فرهنگی که در رأس آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پس از آن مراکزسی چون حوزه هنری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند، با وجود داشتن بودجه کافی نتوانسته‌اند به درستی در این راستا اقدام کنند. در ایام کرونا که مردم خانه‌نشین شدند جا داشت تا این مراکز خاموش طسرح و برنامه‌های را برای افزایش میزان مطالعه مردم فراهم کنند. برنامه‌ای که مردم در قبال گرفتن پاداشی، ترغیب به مطالعه کتاب شوند. در هفت سال گذشته متأسفانه بسیاری از مراکز فرهنگی ادبی دولتی با چراج خاموش حرکت کردند و هیچ نهاد نظارتی نبود تا عملکرد آن‌ها را رصد کند. در چنین شرایطی کوی بسیاری کرونا نه‌تنها عملی نشد تا متولیان فرهنگی طرخی را دنبال کنند تا مردم در اثر خانه‌نشینی به کتاب مراجعه کنند بلکه بهانه‌ای شد تا بیکاری خود را توجیه کنند. بسیاری از تصمیم‌های این مراکز به طور مثال تلفیق خانه کتاب و بنیاد شعر و… برای هیچ‌کس مشخص نشد. رسالت و اهداف مراکز ادبی و فرهنگی چون آرشاد، حوزه هنری و… در گذر زمان فراموش شده است. بی‌شک ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی مهم‌ترین وظیفه این مراکز بوده است. اگر هم طرحی به ذهن دوستان نمی‌رسد دست‌کم طرح‌های خوب کشورهای غربی را اگر ته‌پرداری کنند. بی‌شک تأسیس مرکز کی که بتواند بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی نظارت داشته باشد، می‌تواند بسیاری از نقایص موجود را برطرف کند.

خبر

انتشار آثار نویسندگان ایرانی در کشورهای عربی

مهر: حق نشر ۱۰ عنوان از کتاب‌های کلسون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به زبان عربی به ناشرانی از کشورهای سوریه و لبنان واگذار شده است.

کتاب‌های «دعای موش کوچولو»

«امین‌ترین دوست»، «در جست وجوی خدا»، «کلوجهای خدا»، «قصه مارمولک سبز کوچولو» و «خداحافظ راکنون پیر» نوشته کلر زوبرت، قرار است از سوی انتشارات «الاحبار»الاسلامیه» کشور لبنان به زبان عربی منتشر شود. همچنین امتیاز کتاب‌های «یک جنگل و چند حیوان» نوشته نورا حق پرست، «شام سرد شد کوتی کوتی»، «سرما نخوری کوتی کوتی» و «دنیا را بلرزان کوتی کوتی» نوشته فرهاد حسن‌زاده از مجموعه «قصه‌های کوتی کوتی» به ناشری سوریه‌ای واگذار شده است.

تعدادی از این کتاب‌ها به چاپ رسیده است و تعدادی دیگر در دست انتشار قرار دارند. از ویژگی بارز کتاب‌های کلر زوبرت که موجب شده است در میان ناشران خارجی مورد توجه قرار گیرد، پرداختن به مسائل مذهبی در قالبی لطیف و زیباست. آثار فرهاد حسن‌زاده نیز علاوه بر جذابیت‌های فراوان، در بین کودکان ایرانی طرفداران زیادی دارد و تعدادی از آثار او نیز به زبان‌های مختلف ترجمه شده است.

«کتاب عروسک» در سبد خرید خانواده‌های ایرانی

ادب و هنر:عروسک دوتوک، دست‌ساز سنتی زنان خراسان جنوبی، تازه‌ترین تولید کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که با عنوان «کتاب عروسک» در سبد سسته ارائه می‌شود.

«کتاب عروسک» قرار است از این پس با همکاری مشترک دو اداره کل «نظارت بر انتشارات» و «سرگرمی‌های سازنده و بازی‌های رایانه‌ای» کانون در سبد خرید کالا‌های فرهنگی خانواده‌های ایرانی قرار بگیرد و از این راه از سازندگان عروسک‌های سنتی ایران به عنوان حافظان این هنر ارزشمند بومی، حمایت شود. مدیر کل نظارت بر انتشارات کانون توضیح داد: کار چاپ کتابی با عنوان «دوتوک، عروسک کوچک بلوچی» در کانون در مراحل پایانی قرار گرفته است، اما ساخت عروسک به دلیل مشکل شیوع کرونا و اهمیت رعایت مسائل بهداشتی کمی با وقفه روبه‌رو شد و امیدواریم به زودی این عروسک‌ها هم آماده شود و در داخل این بسته قرار بگیرد. عروسک‌های بومی و دست‌ساز «دوتوک» در فرهنگ مناطقی از استان‌های خراسان جنوبی و مناطق بلوچ‌نشین استان سیستان و بلوچستان ریشه دارد و یادآور لالایی‌ها، شعرهای قدیمی و خاطرات زندگی روستایی و عشایری است.

هر کودک و زن این روستاها عروسکی می‌سازد و داستان زندگی‌اش را در قالب این عروسک روایت می‌کند.

قرار است کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در آینده تعدادی از عروسک‌های بومی و سنتی ایران را در قالب پروژه «کتاب عروسک» در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهد.

ادب و هنر / مهدیه قمری
رضا فیاضی را با نقش آفرینی او در مجموعه تلویزیونی «یزی گولو» بیشتر به یاد داریم. کمتر کسی است که بداند این بازیگر علاوه بر صداپیشگی، کارگردانی و اجرا، به نوشتن هم علاقه دارد. او علاوه بر سرودن شعر و نوشتن داستان و رمان، مدتی است در جزیره کیش زندگی می‌کند و کتاب‌فروشی «جزیره کتاب» را راه‌اندازی کرده است و مدتی است شغل کتاب‌فروشی را تجربه می‌کند. البته فیاضی فعالیت‌های هنری‌اش را همچنان ادامه می‌دهد.

وی در حال حاضر در دو قسمت مجموعه «سایه‌ها» به کارگردانی امیرحسین عنایتی، نقش آفرینی می‌کند. همچنین برای بازی در مجموعه «دازن» قرار‌داد بسته که قرار است این مجموعه در شبکه نمایش خانگی توزیع شود.

فیاضی به عنوان نویسنده و شاعر آثاری مانند «پرسه در پاریس»، «هردی با لاک قرمز»، «بنوی نیلوفری»، «بازیگر»، «آسیه‌ایند» و «ت مثل تاتار» را در کارنامه ادبی خود دارد. البته دو اثر «للو اینجا پدری به قتل رسیده» و «روایت‌های زنانه» هم در فضای الکترونیک منتشر شده و قرار است چاپ کاغذی بشود. وی همچنین پنج داستان مجزا برای کودکان نوشته است که مرحله تصویرسازی را پشت سر گذاشته و قرار است منتشر شود.

این هنرمند همچنین در حال نگارش کتابی ۶ جلدی با عنوان «همایش خلاق» است. این کتاب قرار است با همراهی دیگر هنرمندان تئاتر همچون داود کیانیان، منوچهر آکبرلو، افزازه شیخ‌الاسلام، حسین فدایی حسین نوشته و از سوی نشر جهاد دانشگاهی منتشر شود.

همه این فعالیت‌ها بهانه‌ای شد تا در صفحه امروز سراغ این هنرمند برویم و از دغدغه‌های ادبی‌اش پرسیم. گفت‌وگو ما را بخوانید.

♦ آقای فیاضی چطور شد که به عرصه ادبیات و نویسندگی علاقه‌مندشدید؟

مثل خیلی‌ها از همان دوران نوجوانی به نوشتن علاقه‌مند بودم و دلنوشته می‌نوشتم، اما به صورت حرفه‌ای وقتی بازیگر شدم، اشعارم را از طریق دوستان و اطرافیانم جمع‌آوری کردم و در قالب کتابی با عنوان «بازیگر» به چاپ رساندم و پس از آن دو کتاب دیگر نیز از اشعارم منتشر شد.

وقتی موضوع برایم جدی‌تر شد مجموعه‌ای با عنوان «آسیه‌آباد» که درباره محل تولد و زندگی من است، به چاپ رساندم. پس از آن منصور ضابطیان برای برنامه رادیو ۷ به من پیشنهاد داد تا اشعار و دلنوشته‌هایم را در این برنامه برای مخاطبان بخوانم و من از این پیشنهاد استقبال کردم.

پس از مدتی برای چاپ کتابی به یکی از نشریات رفتم، اما مدیر آن انتشارات گفت دیگر قصه این روزها برای مردم جذابیت ندارد و پیشنهاد داد همین اثر را تبدیل به رمان کنم. با آنکه تا آن زمان رمان نوشته بودم، اما خواستم نوشتن رمان را تجربه کنم و شروع کردم به نوشتن کتاب «هردی با لاک قرمز» منتشر شد. پس از چاپ اولین رمانم، جسارت نوشتن در من بیشتر شد و بااطمینان بیشتری به‌نوشتن پرداختم. کتاب‌های مختلفی از جمله «روایت‌های زنانه را نوشتم که چند داستان همراه داشت و به چاپ رسید. مسیر نوشتن من همین بود که گفتم و همه این‌ها موجب شد در کنار بازیگری به حوزه ادبیات و نشر کشور هم به صورت حرفه‌ای وارد شوم.

♦ برای نوشتن حتماً مطالعه هم می‌کنید، حوزه مطالعاتی شما چیست و به خواندن چه کتاب‌هایی بیشتر علاقه دارید؟

من همه حوزه‌ها را مطالعه می‌کنم، از تاریخ گرفته تا روان‌شناسی،

رضا فیاضی، بازیگر و کارگردان محبوب نوجوانان دهه ۷۰ این روزها در جزیره کیش کتاب‌فروشی می‌کند

از «زی زی گولو» تا «جزیره کتاب»

چون معتقدم این موضوع وظیفه من است و باید به عنوان یک بازیگر، کارگردان، شاعر و رمان‌نویس، تسلط کافی در همه حوزه‌های مطالعاتی داشته باشم. البته در ابتدا از کتاب‌هایی که موضوع آن‌ها را دوست دارم شروع می‌کنم و بعد به کتاب‌هایی می‌رسم که تاکنون خوانده‌ام.

♦ چه شد که «پرسه در پاریس» منتشر شد و رمانی در باره مشکلات زنان نوشتید؟

«پرسه در پاریس» دومین رمان من است و مثل تمام قصه‌هایم به مشکلات اجتماعی زنان اشاره دارد و همچون بیشتر قصه‌هایی که نوشتم، روایت‌های زنانه است.

این کتاب درباره زندگی سه دختر است که در دوره نوجوانی تصمیم می‌گیرند هرگز ازواج نکنند. با وقوع برخی اتفاقات در زندگی این دختران، داستان به جای خطرناکی کشیده می‌شود و قتلخ می‌دهد.

داستان از زبان من روایت می‌شود و قهرمان آن خودم هستم. به طوری که من به عنوان قهرمان داستان زندگی دختران را تعقیب می‌کنم و به دنبال چرایی وقوع این جرم می‌روم تا ببینم چرا چنین قتلخ رخ داده است. ایده نوشتن این کتاب از دغدغه‌های شخصی‌ام نشأت گرفته است. در دوره دانشکده همکلاس‌ام داشتم که متوجه شدم این دختر عضو یک تیم سه نفره است که هم پیمان شده‌اند و تصمیم گرفته‌اند هیچ‌گاه ازواج نکنند.

این نگاه ذهن من را مشغول کرد و برایم تازگی داشت و ایده اولیه نگارش این کتاب از این اتفاق شروع شد و بعد با قدرت نویسندگی تقویت شد.

♦ شما کتاب‌فروشی به نام «جزیره کتاب» دارید، مدیریت آن را بر عهده دارید یا کتاب هم می‌فروشید؟

بله، مدیریت این کتاب‌فروشی با من است. بیشتر اوقات همسرم به عنوان فروشنده در کتاب‌فروشی فعالیت می‌کند، اما خودم هم کتاب می‌فروشم و در فروشگاه حضور دارم. اینجا را نوعی پاتوق فرهنگی برای خودم می‌دانم که همزمان با آن متن می‌نویسم، کتاب می‌خوانم و سرگرم دنیای خودم هستم. در «جزیره کتاب» هر نوع کتابی را می‌توان پیدا کرد، کتاب‌های داستان، شعر و عمومی. علاقه‌ام نسبت به ژانر کودک و نوجوان را نتوانستم نادیده بگیرم و کتاب‌های نشر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همین‌طور سایر انتشارات فعال در این حوزه را عرضه کرده‌ام.

♦ واکنش مردم وقتی شما را در کسوت کتاب‌فروشی می‌بینند، چیست؟

مردم نظر مثبتی دارند و وقتی مرا می‌بینند خیلی خوشحال می‌شوند و برایشان در مرحله اول جالب است که من را به عنوان

♦ **نظر تان در مورد حضور هنرمندان در عرصه نشر و کتاب چیست و این حضور چقدر به آشتی مردم با کتاب کمک می‌کند؟**

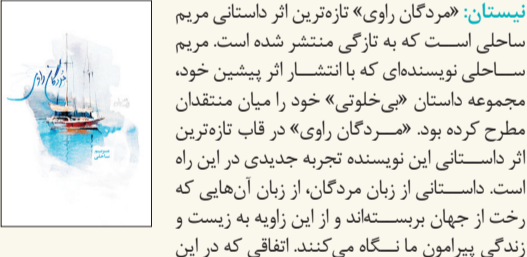
قطعاً نقش مؤثری دارد، اما برای این مسئله دو نکته وجود دارد، نخست اینکه مردم می‌گویند این هنرمند با حضور در عرصه نشر از نخست اش استفاده می‌کند، نگاه دوم این است که حتماً او دغدغه این کار دارد. ما هنرمندان زیادی داریم که هم در عرصه سینما و هم ادبیات وارد شده‌اند، اما کمتر کسی آن‌ها را می‌شناسد.افرادی مانند عباس کیارستمی، مسعود فروتن، یامینکابلی شهرستانی، سال‌هاست در عرصه ادبیات و موسیقی فعالیت دارند و نقش تأثیرگذاری هم داشته‌اند. به نظر من همان‌طور که در سینما به روی علاقه‌مندان

باز است، در شعر هم به روی علاقه‌مندان این حوزه بسته نیست. از سسوی دیگر این موضوع می‌تواند در ارتقای فرهنگ مطالعه تأثیرگذار باشد. هیچ کسی نمی‌خواهد کار خود را زیر سؤال ببرد، زیرا متأسفانه این تفکر در جامعه ما وجود دارد هنرمندی که وارد ادبیات یا حوزه‌های دیگر می‌شود قصد دارد آن حوزه را زیرسؤال ببرد، در حالی که این طور نیست.

♦ از بین بازیگری با نویسندگی کدام یک را بیشتر دوست دارید؟

نمی‌توان گفت کدام را بیشتر دوست دارم، هر کدام ویژگی‌های خاصی دارند.

شور شاعرانه در «مردگان راوی»



نیستان: «مردگان راوی» تازه‌ترین اثر داستانی مریم ساحلی است که به تازگی منتشر شده است. مریم ساحلی نویسنده‌ای که با انتشار اثر پیشین خود، مجموعه داستان «بی‌خلوتی» خود را میان منتقدان مطرح کرده بود. «مردگان راوی» در قالب تازه‌ترین اثر داستانی این نویسنده تجربه جدیدی در این راه است. داستانی از زبان مرگان، از زبان آن‌هایی که رخت از جهان بریسته‌اند و از این زاویه به زیست و زندگی پیرامون ما نگاه می‌کنند. اتفاقی که در این

کتاب رخ داده روایتی از زاویه افرادی است که دیگر می‌توانند و می‌خواهند به دنیا دل‌بستگی داشته باشند و نه آنچه روایت می‌کنند و این می‌تواند منجر به اتفاقی در حال و روز قهرمان‌های داستانشان شود. آن‌ها اهل روایت در ماضی بعید هستند. روایت در زمانی که جایی در گذشته شروع شده و در همان گذشته نیز به پایان رسیده و یا به حال خود رها شده‌اند.

شور شاعرانه زبان ساحلی در این کتاب نمونه‌ای است قابل توجه از خلق زبانی

انحصاری و فاخر برای داستان‌پردازی.

کتاب‌فروش می‌بینند.

♦ چه کتاب‌هایی بوده که خوانده‌اید و روی شما تأثیرگذار بوده و خواندن یا خرید آن‌ها را به مردم و اطرافیان پیشنهاد می‌کنید؟

در ابتدا کتاب‌های خودم را معرفی می‌کنم و بعد آثاری که از نویسندگان ایرانی می‌شناسم و مطالعه کردم و خوب بوده‌اند و یا کتاب‌های خارجی که تأثیرات خوبی می‌تواند روی مردم بگذارد یا اطلاعات مفید به مردم بدهد و موجب رشد آگاهی به آن‌ها و سبب افزایش عمق دید آن‌ها به مسائل جامعه در حوزه‌های مختلف شود.

♦ معمولاً مردم چه نوع کتاب‌هایی را بیشتر دوست دارند خریداری کنند؟

در حال حاضر کتاب‌های روان‌شناسی و آثاری که راه‌های موفقیت در زندگی را نشان می‌دهد، همه گیر شده، چون تقریباً همه گروه‌های سنی همین کتاب‌ها را می‌خرند، اما من بر حسب وظیفه و با اطلاعاتی که دارم تلاش می‌کنم آن‌ها را به مطالعه کتاب‌های دیگری که می‌توانند اطلاعات بهتری به آن‌ها بدهند، پیشنهاد می‌کنم

♦ به عنوان یک هنرمند و فعال فرهنگی که به سبب تجارب مختلف مواجهه بیشتری با مردم داشته‌اید، فکر می‌کنید چطور می‌توان فرهنگ مطالعه را در جامعه گسترش و مردم را با کتاب آشتی داد؟

ارتقای فرهنگ مطالعه در جامعه مسئله مهمی است که با تبلیغ و اطلاع‌رسانی میسر می‌شود. مثلاً در فیلم‌های خارجی می‌بینیم شخصیت‌های فیلم در زمان‌های فراغت مثلاً پیش از خواب، در مترو و جاهای دیگر که فرصت اندکی دارند، کتاب به دست می‌گیرند و مطالعه می‌کنند و همه این‌ها در ذهن مخاطب و بیننده فرهنگ‌سازی می‌کند. شاید چنین تصویری برای جامعه ما هم لازم باشد تا از طریق فیلم یا هنرهای مختلف، فرهنگ مطالعه بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

♦ نظر تان در مورد حضور هنرمندان در عرصه نشر و کتاب چیست و این حضور چقدر به آشتی مردم با کتاب کمک می‌کند؟

قطعاً نقش مؤثری دارد، اما برای این مسئله دو نکته وجود دارد، نخست اینکه مردم می‌گویند این هنرمند با حضور در عرصه نشر از نخست اش استفاده می‌کند، نگاه دوم این است که حتماً او دغدغه این کار دارد. ما هنرمندان زیادی داریم که هم در عرصه سینما و هم ادبیات وارد شده‌اند، اما کمتر کسی آن‌ها را می‌شناسد.افرادی مانند عباس کیارستمی، مسعود فروتن، یامینکابلی شهرستانی، سال‌هاست در عرصه ادبیات و موسیقی فعالیت دارند و نقش تأثیرگذاری هم داشته‌اند. به نظر من همان‌طور که در سینما به روی علاقه‌مندان

♦ از بین بازیگری با نویسندگی کدام یک را بیشتر دوست دارید؟

نمی‌توان گفت کدام را بیشتر دوست دارم، هر کدام ویژگی‌های خاصی دارند.

روایت لحظات پر تلاطم آدم‌ها



نشر شهید کاظمی: مجموعه داستان‌های ساده‌ای از پیچیدگی‌های ساده آدم‌ها به تازگی در قالب کتابی با عنوان «داستان‌های سپید» منتشر شده است.

این داستان‌های ساده روایتی از پیچیدگی‌های ساده آدم‌هاست که با محوریت زنان و به کوشش جمعی از نویسندگان جوان خانم منتشر شده است. این داستان‌ها روایت لحظات پرتلاطم زندگی آدم‌هاست، اما جز آرامش چیزی به لحظه‌های مخاطب نمی‌دهد. این داستان‌ها همچنین روایت

سرگشتگی و ناتوانی در تصمیم‌است! روایتی از هزینه می‌طلبد، روایت قهرها و آشتی‌هایی که با یک تصمیم سرنوشت یک زندگی روشن می‌شود و همه لحظات آن برای مخاطب آشناست، چون همه در چنین بزنگاه‌هایی بوده و آن را تجربه کرده‌ایم.

این کتاب پرداخت‌های درونی زنانی است که از دریچه نویسندگان در معرکه‌های کار، خانواده، همسر، پوشش و دوستان خود را به رخ می‌کاوند و در بزنگاه انتخاب به کمال می‌یابند.

حرف‌هایی به جا مانده از «خسرو سینیایی» در پیوند ادبیات و تصویر

کوچ شاعر سینما



سیاحتین باخ؛ در هنرهای تجسمی؛ میکال آنژ و در شعر؛ خواجه شمس‌الدین حافظ. دانشجو که بودم گاهی برای قرار از سوز سرمای زمستانی شهر این به کلیسایی که سر راهم بود پناه می‌بردم و سلاطنتی در آنجا می‌نشستم. غالباً کسی در آنجا آثاری از یوهان سیبستین باخ را با ساز ارگ تمرین می‌کرد. آن موسیقی در آن خلوت و تنهایی کلیسا، چنان مرا به عالمی روحانی نزدیک می‌کرد که مولانا، شوریده‌ترین شاعر بزرگمان را حس می‌کردم که می‌گوید: مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک؛ چند روزی نفسی ساختم‌اند از بدنم». و می‌گوید: «فردوسی را نماد حماسه و بزرگی، سعدی را نماد خرد

♦ پیوند سینما و ادبیات در آثار سینیایی

از ویژگی‌های خسرو سینیایی، پیوندی است که میان سینما و ادبیات در فعالیت هنری خود به وجود آورد.

سنان خسرو سینیایی درباره «تباط تنگاتنگ شعر، سینما و هنرهای دیگر با یکدیگر» در همایش «حافظ به روایت ادب و هنر» که در مهر ماه سال ۹۱ توسط مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد، از دیگر جلوه‌های به جا مانده از دیدگاه‌های او در عرصه ادبیات و هنر است. او در این همایش گفته بود: «در محدوده فرهنگ‌هایی که کم و بیش شناخته‌ام، برای من، سه اخ دوست‌نیافتنی وجود دارد: در موسیقی؛ یوهان